۳۱ نکته در باب سلیم بن قیس هلالی و کتاب او ـ سید محمدعلی روضاتی، عبدالحسین طالعی
فصلنامه تخصّصي مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال دوازدهم، شماره ۴۵«ویژه حدیث»، زمستان ۱۳۹۳، ص۱۱۵ـ ۱۴۵

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

۳۱ نکته در باب سلیم بن قیس هلالی و کتاب او

سید محمد علی روضاتی
ترجمه: عبدالحسین طالعی *

چکیده: این گفتار که ترجمهٔ رسالهٔ "الدرر و اللئالی فی ترجمة سلیم بن قیس الهلالی" است، ۳۱ نکته درباره سلیم بن قیس هلالی محدّث مشهور سدهٔ یکم هجری را در بر دارد، و در باب کتاب او سخن می‌گوید که امروزه در دسترس و موجود است. مؤلف مقاله با تسلط بر دانش رجال و تراجم و نسخه‌های خطی کتب مرجع، نکاتی بدیع درباره این کتاب ارزشمند بیان می‌دارد، از جمله دربارهٔ وثاقت سلیم و پاسخ به تضعیف رجالی او، سرگذشت کتاب و نسخه‌های خطی و چاپی آن، نقد و بررسی نظرات دانشمندان رجالی در این مورد، مانند میرزای استرآبادی، صاحب روضات الجنات وحید بهبهانی، ابوالحسن شعرانی و دیگران، توضیحاتی در مورد ابان بن ابی عیاش راوی کتاب سلیم، و نکات دیگر. شرح حال کوتاهی از مؤلف در ابتدای گفتار آمده است.

کلیدواژه‌ها: الدرر و اللئالی فی ترجمة سلیم بن قیس الهلالی؛ روضاتی، سید محمدعلی؛ سلیم بن قیس هلالی؛ کتاب سلیم بن قیس هلالی؛ روضات الجنات؛ ابان بن ابی عیاش.

*. عضو هیئت علمی دانشگاه قم، دانشجوی دوره دکتری دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات تهران taleie20@gmail.com

درباره نویسنده

استاد محقق آیة الله سید محمد علی روضاتی در خاندان دین و دانش در ۱۳ رجب ۱۳۴۸ قمری در اصفهان زاده شد. پدرش آیة الله میرزا محمدهاشم چهار سوقی (۱۳۱۸ – ۱۳۵۶) و مادرش فرزند آیة الله سید حسن چهار سوقی بود. یعنی نسب او از دو طرف به سید محمد باقر خوانساری صاحب دانشنامهٔ رجالی *روضات الجنات* می‌رسد. به این سبب، لقب روضاتی داشت.

در اصفهان مقدمات و پاره‌ای از سطوح را فرا گرفت. در قم نزد اساتیدی همچون آیات: شهید شیخ محمد صدوقی، شیخ مرتضی حائری، سید حسین بروجردی درس آموخت. ارتباط علمی استوار با عالمانی همچون حضرات آیات: شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید عبدالحسین شرف‌الدین، سید محمدهادی میلانی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، سید هبة الدین شهرستانی، سید محسن حکیم و دیگر بزرگان جامعیت ویژه‌ای به او بخشید. از سی تن از مشایخ اجازهٔ روایت داشت. در شعبان ۱۳۷۳ قمری ازدواج کرد که پنج فرزند، حاصل این ازدواج است.

آثار علمی ایشان بیشتر در حوزهٔ تراجم و کتابشناسی است که تحقیق متون مربوط به این دو رشته جایگاه خاصی در آثارش دارد. بیست اثر چاپ شده و ده اثر چاپ نشده و حواشی فراوان تحقیقی بر کتابهای مرجع، در کنار تربیت شاگردان محقق که در جلسات علمی بار آمدند، ثمراتی از زندگی استاد است.

رحلت استاد در روز ۲۹ شعبان ۱۴۳۳/ ۲۹ تیر ۱۳۹۱ شمسی روی داد. رحمة الله علیه.[۱]

این گفتار

این گفتار، ترجمهٔ رسالهٔ «*الدرر و اللئالی فی ترجمة سلیم بن قیس الهلالی*» است که در

۱. برگرفته از مقالهٔ «استاد بزرگوار ما علامهٔ روضاتی» نوشته جویا جهانبخش که در کتاب *اسنادی از خاندان روضاتیان* ص ۴۲۴ – ۴۳۴ و یک بار دیگر در کتاب «*در پرتو روضات*» ص ۵۷۳ – ۵۸۴ چاپ شده است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

سال ۱۴۱۰ قمری از قلم استاد به زبان عربی تراویده و در کتاب «*در پرتو روضات*» (قم: مؤسسه کتابشناسی شیعه،۱۳۹۱ شمسی، ص ۵۳۰ – ۵۵۰) به چاپ رسیده است. کتاب یاد شده، بخشی از مقالات علامه روضاتی را در بر دارد که در طول بیش از شصت سال تلاش علمی به قلم آورده‌اند. از پنجاه مقاله این مجموعه چهل مقاله به زبان فارسی و ده مقاله عربی است.

ساختار این مقاله مانند دیگر آثار ایشان بیشتر معطوف به تکمیل، تصحیح و بازنگری منابع پیشین در موضوع مربوط است. بدین روی، رساله خود را در سه بخش سامان داده است: بخش اول، کلام صاحب *روضات الجنات* در باره سلیم بن قیس هلالی را بر اساس نسخهٔ خطی اصل مصنف آن، با توضیح جملات پیچیدهٔ آن – به ویژه تبیین نقلهای تو در تو – آورده و نظرات خود را در حاشیه بیان می‌دارد.

بخش دوم به نقل و توضیح چندین منبع رجالی در مورد سلیم اختصاص دارد که مانند دیگر آثار ایشان، منابع مخطوط جایگاه خاصی در میان منابع دارند. بخش سوم نیز به چند فائده و نکتهٔ متفرقه می‌پردازد.

اهمیت موضوع سلیم بن قیس و کتابش در منظومهٔ حدیث شیعه و نظرات مختلف در بارهٔ او، سبب شد که ترجمه این رساله به اهل پژوهش عرضه شود. بدان امید که نکات تازه و نویافته‌های آن برای تحقیقات مربوط به این مهم به کار آید.

توضیح لازم اینکه ترجمه در کمال دقت و امانت سامان یافته، مگر شماره زدن فقرات نسبتاً مستقل که برای بهره‌گیری بیشتر از مطالب انجام شده است. چند نکته برای تبیین بیشتر مباحث در پانویس افزوده شد که با عنوان مترجم مشخص شده است.

***

[مقدمه مؤلف]

خدای بزرگ را بر نعمتهایش حمد می‌گوییم. درود و سلام بر پیامبر برگزیده‌اش و

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

خاندان او باد، و دشمنان این خاندان، از رحمت حق هماره دور باد.

این مطالب، نکاتی دربارهٔ سلیم بن قیس هلالی است و کتاب او که در طول قرنها شهرت یافته است. این نکات را در رساله‌ای گرد آوردم که آن را « *الدرر و اللئالی فی ترجمة سلیم بن قیس الهلالی*» نامیدم.

سخن را با کلام جدمان امام افقه بزرگوار، مجتهد مجدد مجاهد آیة الله العظمی سید میرزا محمد باقر موسوی قدس الله سره و نور ضریحه (متوفی ۱۳۱۳) آغاز می‌کنم که در کتاب *روضات الجنات* آورده است. سپس یافته‌های خود و مطالب مرتبط را که در ذهن دارم در پی آن می‌آورم. از خدای سبحان توفیق و هدایت و استواری طلب می‌کنم، او مرا بس است و نیکو وکیلی است.

بخش اول - کلام صاحب روضات

صاحب روضات می‌نویسد:

۱. شیخ ابوصادق سلیم بن قیس هلالی عامری کوفی صحابی امیر المؤمنین علیه السلام و مصنف کتاب حدیثی مشهور که در *بحار الانوار* و آثار دیگر، از آن نقل می‌کند.

نام شریف او به صیغهٔ تصغیر است چنانکه در کتاب *خلاصة الاقوال* علامه حلی و منابع دیگر آمده است. او از عالمان متقدم اهل بیت علیهم السلام و اصحاب بزرگوار آنان است که نسبت به این خاندان، بسیار وفادار بود. از *رجال* شیخ طوسی استفاده می‌شود که محضر پنج امام معصوم را درک کرد: امیر المؤمنین تا امام باقر علیهم السلام.

۲. مولی صالح مازندرانی از یکی از محدثان[1] نقل می‌کند که گفت: «سلیم یکی از یاران خاصّ امیر المؤمنین علیه السلام است که از امام صادق علیه السلام نیز روایت می‌کند. او یکی از اولیاء

۱. کسی که از مولی صالح مازندرانی نقل می‌کند، صاحب منتهی المقال است. کلام مولی صالح در *شرح اصول کافی* چاپ حروفی ج ۲ ص ۳۷۴ آمده است. در *منتهی المقال* گوید: «آنچه از یک محدث نقل کرده کلام سید داماد در *الرواشح السماویة* است». باید دانست که عبارت منقول از میر داماد، در نسخه خطی *تعلیقات میر داماد بر اصول کافی* موجود است. این تعلیقات در اصل، از *رواشح* نقل شده، در حالی که نسخه چاپی *رواشح* این مطلب را ندارد. ضمنا تعبیر "شارح صالح" از سید داماد به این محدث جالب توجه است. (روضاتی).

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

است و حق در بارهٔ او – در وفاق با علامه حلی و دیگر دانشوران شیعی – آن است که او را عادل بدانیم.»

صاحب *روضات* گوید:

در خلال مباحث خواهی دید که او به مراتب، جایگاهی بالاتر از تعدیل دارد. چرا چنین نباشد؟ در حالی که او نزد امامان معصوم، در جایگاه ارکان اربعه بود و در حدّ بسیار زیادی محبوب آنان بود. در رفعت مکانت او نزد امامان معصوم علیهم‌السلام و جلالت او نزد شیعه همین بس که هیچ روایتی در نکوهش او نرسیده، بلکه در مدح و جلالتش چندین حدیث روایت شده است. بعلاوه، هیچ کسی او را مجهول نشمرده، تا چه رسد به اینکه خلاف عدالت در باره‌اش بگوید. از سوی دیگر چند تن از دانشوران شیعه بر عدالت او تصریح کرده‌اند.

البته این جمله برای تسکین درون کسانی ذکر شد که نسبت به شهادت دو تن از دانشمندان رجالی در بارهٔ یک راوی تعبد دارند. در واقع این تعبد خلاف تحقیق است. بلکه مدار در علم رجال، بر ظنّ اجتهادی است، چنانکه تتبع هر فرد منصف در کلمات کسانی که دانش پژوهان را به تعبد در توثیق راویان در این زمان وا می‌دارند، بر این مدعا گواه است. به خیال این که به حقیقت احوال رجال از طریق دگر دست یافته‌اند.

۳. این سخن نیکو است که در پی کلامی درازدامن از این قبیل گفته‌اند:

به هر حال، توقف در تعدیل او هیچ وجهی ندارد. زیرا علوّ او از روایات او که در کافی و آثار دیگر آمده، بر می‌آید. و جایگاه رجال، از روایاتشان بر می‌آید. از روایات سلیم بر می‌آید که او از خواص اصحاب امیر مؤمنان علیه‌السلام بوده است. بلکه به همین دلیل در «ین» او را صحابی امیر مؤمنان می‌داند، که به خصوصیت او نزد حضرتش اِشعار دارد.

او شیخی متعبد و نورانی از اولیای امیر مؤمنان علیه‌السلام بود که در دین بسی تصلب داشت

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

و هرگز به دشمنان حضرتش نگروید، تا آنجا که حجاج در پی او افتاد که او را بکشد.

سخن مخالفان در باره‌اش که او را ضعیف دانسته‌اند، گواهی بر تصلّب او در دین و علوّ قدر اوست. در رجال کشی نیز مطالبی آمده که صدق و جلالت و صحت کتابش را می‌رساند.

۴. کتاب مورد اشارهٔ او، نخستین کتابی است که در اسلام نوشته و تدوین شده و اخبار را در آن گرد آورده است. من نسخه‌ای کهن از آن دارم که بیش از چهار هزار بیت است. و نوادر جالب بسیار دارد.

علامه محمدباقر مجلسی [در مقدمه *بحار الانوار*، ضمن ارزیابی منابع *بحار*] گوید: «کتاب سلیم بن قیس در نهایت اشتهار است. البته عده ای آن را ضعیف می‌دانند، ولی حق آن است که این کتاب، از اصول معتبر است»

۵. علامه حلی در کتاب *خلاصهٔ الاقوال* می‌نویسد:

«کشی احادیثی آورده که اعتبار و صحت کتاب سلیم را می‌رساند.

نجاشی گوید: ابوصادق، سلیم بن قیس هلالی صاحب کتابی است.

سیدعلی بن احمد عقیقی گوید: سلیم بن قیس از اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام است. حجاج در پی او بود تا او را بکشد. او گریخت و به ابان بن عیاش [یا: ابان بن ابی عیاش] پناه برد. هنگام وفات، به ابان گفت: تو حقّی بر من داری. اینک آمادهٔ مرگ می‌شوم. برادر زاده! پس از رسول خدا چنین و چنان شد. آنگاه سلیم کتابی به ابان داد. پس این کتاب را فقط ابان از سلیم روایت کرده است. ابان در حدیث خود گفته که سلیم، شیخی متعبّد و نورانی بود.

ابن غضائری گوید: سلیم بن قیس هلالی عامری از امام حسن، امام حسین، امام سجاد و امام صادق علیهم السلام روایت می‌کند. کتاب مشهور را به او نسبت داده‌اند. اصحاب ما گفته‌اند که سلیم شناخته شده نیست و در حدیثی یاد نشده است. من یاد او را از طرق

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

چندی غیر از جهت کتابش و از روایاتی غیر از ابان بن عیاش یافته‌ام.

ابن عقده او را در شمار یاران امیر مؤمنان یاد کرده و البته این کتاب، بدون تردید جعلی است به چند دلیل؛ یکی این که گفته محمد بن ابی بکر پدرش را هنگام مرگ اندرز داد. دیگر اینکه امامان را سیزده تن می‌داند، و دلائل دیگر. همچنین سندهای کتاب، اختلاف دارد؛ گاهی به روایت عمر بن اُذینه از ابراهیم بن عمر صنعانی از ابان بن ابی عیاش از سلیم، و گاهی بدون واسطه از عمر از ابان. وجه صحیح در نظر من، این است که سلیم، عادل است، ولی در بارهٔ مطالب غلط کتابش باید توقف کرد.»

این سخن علامه حلی است که ضمن آن کلام چند تن دیگر را نقل کرده است.

۶. یکی از بزرگان[۱] در تعلیقه بر کلام عقیقی می‌نویسد:

«از مجموع آنچه آورده، بر می‌آید که سلیم، شایستهٔ مدح است. اگر تک تکِ روایات مشتمل بر مدح او معتبر نباشد، ولی این بدان معنا نیست که مدح او در مجموع معتبر نباشد.

گفته‌اند: از اینجا وجه ایراد اخباری که از نظر سند مورد قدح است، معلوم می‌شود. همچنین اخبار دالّ بر مدح از وجه ضعیف، و اخبار دالّ بر مدح راوی از طرف خودش که شهادت به نفع خودش باشد و دیگر اخبار در این زمینه، همین گونه است. به هر حال، از مجموع آنها بر می‌آید که حکم به وصف عدالت باید کرد. مبنای این مطلب آن است که علم عادی شرعی وقتی به مطلبی دست یابد، به مقتضای آن حکم به وجوب عمل به آن یافته می‌شود.»

۷. در کلام همین بزرگ آمده است:

«احادیث سلیم در چند باب از کتاب *کافی* آمده است، از جمله:

باب استعمال العلم

۱. مراد از آن بزرگ، یا بهاءالدین عاملی یا سید داماد است. والله العالم. (روضاتی).

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

باب المستأکل بعلمه
باب اختلاف الحدیث
باب ما جاء فی الإثنی عشر
باب الإشارة و النصّ علی الحسن علیه‌السلام
باب الفیء و الأنفال
باب دعائم الکفر
باب أدنی ما یکون العبد مؤمناً
و موارد دیگر.

این احادیث، تماماً متن واضح و فواید فراوان دارند و مطالب مهمی در بر دارند بدون مطالب مخالف مذهب. شیخ کلینی وقتی احادیث سلیم را می‌آورد، در ابتدای باب نقل می‌کند، چنانکه در یکی دو موضع دیدم. این قرینه‌ای است بر آنکه کلینی بر *کتاب سلیم* اعتماد کرده و آن را واضح الحدیث می‌داند که می‌شود بدان عمل کرد.

روش کلینی آن است که احادیثی را که تخریج می‌کند، و در ابواب خود می‌آورد، به ترتیب صحت و وضوح نقل می‌کند. لذا احادیث آخر هر باب معمولاً خالی از اجمال و خفاء نیست.»

۸. کلام این دانشمند بزرگ بدینجا می‌رسد که گوید:

«کتاب او بین اصحاب ما امامیه شهرتی داشته، بالاتر از شهرتی که امروز کتابهای اربعه در زمان ما دارند، چنانکه غضائری گفته است. شیخ کلینی و شیخ صدوق و دیگر بزرگان، از کتاب او نقل کرده‌اند. اضطراب در طریق که دیده می‌شود، زیانی به کتاب نمی‌زند. و چنین مطلبی در بیشتر طرق کتابهای اصحاب ما – به دلیل مسائل خاص خود – دیده می‌شود»

۹. یکی از بزرگان[1] از خط شهید ثانی نقل کرده که در حاشیهٔ خود بر *خلاصهٔ الاقوال*

۱. مراد او، میرزا محمد استر آبادی در رجال کبیر یا *منهج المقال* چاپ اول ص ۱۷۱ است. (روضاتی)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

علامه بر سخن او تعلیقه زده است.

علامه گوید: «یکی از نشانه‌های جعلی بودن کتاب آن است که محمد بن ابی بکر در سال حجة الوداع متولد شده و خلافت پدرش دو سال و چند ماه بوده، پس‌اندرز گفتن او به پدرش معقول نیست»

میرزای استر آبادی نقل می‌کند که شهید ثانی در پاسخ به سخن علامه گوید: «در توقف نسبت به مطلب غلط جای توقف نیست. بلکه در کل کتاب به دلیل ضعف سند چنانکه دیدید. اگر تنزّل کنیم، باید گفته می‌شد که مطلب غلط را رد کنیم و نسبت به مطالب دیگر توقف کنیم. اما برای حکم او به تعدیل، وجهی ظاهر نمی‌شود و دیگران با او موافقت نکرده‌اند»[1]

استرآبادی می‌افزاید: «در نسخه‌ای از این کتاب که به دست من رسیده، چنین آمده که عبدالله بن عمر پدرش را هنگام مرگ اندرز داد. عمر گفت: اگر آنها با "اصلع بنی‌هاشم" (مراد، امیر المؤمنین علیه السلام است) بیعت می‌کردند، آنها را به راه راست و روشن می‌کشانید، زیرا او استوارترین فرد بر کتاب خدا و سنت پیامبر است. عبدالله به پدرش گفت: پس چرا او را جانشین خود نمی‌سازی؟

نیز در این نسخه آمده که دوازده امام از فرزندان اسماعیل پیامبرند، یعنی رسول خدا و دوازده امام هستند.

هیچ یک از این دو سخن مشکلی ندارد.»

۱۰. صاحب *منهج المقال* ذیل کلام شهید ثانی که گفته: «دیگران با اوموافقت نکرده‌اند» گوید:

---

۱. این عبارت، از جد ما شهید ثانی است، ولی میرزا در *منهج* نقل نکرده بلکه در *حاشیه خود بر رجال وسیط* ص ۱۹ آورده است. اما جد ما صاحب روصات در این موضع و دیگران نیز، از *حاشیهٔ رجال وسیط* نقل کرده‌اند. صاحب *روضات* پس از اینکه بدان دست یافته، در حاشیهٔ نسخهٔ اصل *روضات* نوشته است. (روضاتی).

مترجم می‌افزاید: مطالب بعدی که از میرزای استر آبادی نقل می‌شود، از *منهج المقال* اوست .

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

«پیشتر گفتیم که در نسخه‌هایی از *کتاب سلیم* که به دست ما رسیده، چنین آمده که عبدالله بن عمر در هنگام مرگ پدرش او را اندرز داد. در همین نسخه‌ها آمده که امامان با پیامبر، سیزده تن هستند. این کلمات دلالت بر جعل نمی‌کند. ضمناً باید دانست که علامه خود در آخر قسم اول کتابش خلاصهٔ الاقوال، سلیم بن قیس را در شمار اولیای امیر مؤمنان علیه‌السلام یاد کرده و این را از کلام برقی نقل می‌کند. و این خود دلیل بر عدالت اوست.»

۱۱. صاحب *ایجاز المقال* پس از نقل کلام علامه و میرزا گوید:

«شاید وجه حکم علامه به تعدیل او، تظافری باشد که از کلام کشی بر می‌آید که تصدیق و اشتهار آن را می‌نمایاند، یا دستیابی او بر کلامی باشد که چنین نتیجه‌ای را صریحا یا ضمنا یا التزاما می‌رساند. همچنین به کلام میرزا در وجه تعدیل سلیم نباید توجه شود، زیرا عبارت علامه در خاتمهٔ *خلاصه*، صراحت در این ندارد که این کلام برقی باشد، بلکه شاید دلالت کند که این کلامی مستأنف است، زیرا بعد از نقل کلامش گوید: "در شمار اولیای حضرتش گروهی هستند که بعضی از آنها را یاد کردیم" الخ»

۱۲. صاحب *ایجاز المقال* در بخشی دیگر گوید:

«علامه عدالت سلیم را تأیید کرده. آنگاه کتابش را صحیح دانسته مگر مطالب غلط آن را، به دلیل این که می‌توان طرق ضعیف آن را متظافر دانست یا تمام کتاب را به طریق دیگری استوار دانست. پس کلام شهید که گفته: "توقف در مطالب غلط وجهی ندارد – تا آخر"، وجهی ندارد. مقتضای معنای توقف، عدم قطع است. پس آنجا که شهید گفت: "اگر تنزّل کنیم – تا آخر"، وجهی نمی‌یابد.

نعمانی در *کتاب الغیبة* احادیث زیادی از *کتاب سلیم* آورده به این مضمون که امامان بعد از رسول خدا، دوازده نفرند. سپس می‌گوید: «*کتاب سلیم*، اصلی است از اصول که اهل علم و حاملان حدیث اهل بیت، آن را روایت کرده‌اند. این کتاب، قدیمی‌ترین اصل

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

است، که تمام مطالب آن مستقیماً و بدون واسطه، از پیامبر، امیر المؤمنین، مقداد، سلمان، ابوذر، و دیگر کسانی نقل شده که پیامبر و امیرالمؤمنین را دیده و از آنها حدیث شنیده‌اند. *کتاب سلیم* از اصولی است که شیعه بدان رجوع می‌کند و بدان عقیده دارد. ما در این کتاب (*غیبت*) فقط بخشی از مطالب آن را آوردیم.

پس از نقل کلام نعمانی اشاره می‌کنیم که بعضی از دانشوران گفته‌اند: «می‌دانی که ابن غضائری معرفت نسبت به بزرگان اصحاب امامیه نداشت، و لذا آنان را جرح می‌کرد. و اعتماد کلینی و صدوق نسبت به سلیم، در اثبات اعتبار آن کافی است. پس به سخن چنین جماعتی اعتبار نیست. بعلاوه صاحبان علم رجال، او را به نیکی یاد نکرده و مدحش نگفته‌اند. پس هر چه دوست داری برای خود برگزین.»

تا اینجا کلام صاحب «*ایجاز المقال*» است.

۱۳. صاحب *منتهی المقال* گوید[۱]:

«مولی محمدباقر وحید بهبهانی در تعلیقات خود بر کتاب *منهج المقال* گوید: میرزای استرآبادی در *منهج المقال* گفته: "سندهای این کتاب با هم اختلاف دارد – تا آخر کلامش. ما از این ناحیه زیانی بر کتاب نمی‌بینیم. بسا که از *کافی* کلینی و *خصال* صدوق و *الفهرست* طوسی کثرت طرق به دست آید.

در مورد تضعیف غضائری سخن همان است که بارها گفته شده است.[۲]

میرزای استرآبادی گفته: "اندرز گفتن محمد بن ابی‌بکر به پدرش معقول نیست". [وحید بهبهانی می‌افزاید:] جدم[۳] گفته: چنین چیزی استبعاد ندارد، اگر به تعلیم مادرش اسماء بنت عمیس بوده باشد. در این سخن تأمّل کنید.

---

۱. صاحب *روضات* کلام ابوعلی را از *منتهی المقال* نقل کرده با تصرفی مختصر در پاره‌ای از کلمات، همانگونه که ابوعلی خود در نقل کلام وحید بهبهانی تصرفی مختصر روا داشته است. (روضاتی)

۲. نظر وحید بهبهانی که بارها در آثار خود گفته، عدم اعتنا به تضعیف غضائری است. به دلائل مفصل خود . (مترجم)

۳. کلمهٔ "جدم" در کلام محقق بهبهانی یعنی مولی محمد تقی مجلسی اول. (روضاتی)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

استرآبادی از "ضعف سند" *کتاب سلیم*، سخن گفته. در حالی که در *کافی* و *خصال*، سندهای صحیح و معتبر وجود دارد که به سلیم می‌رسد. از روایت *کافی* و *خصال* بر می‌آید که روایت کلینی و صدوق از کتاب سلیم بوده و اِسنادشان به سلیم است در آنچه روایت کرده‌اند. این وجه برتر است، علاوه بر این که روایت کلینی و صدوق از سلیم در یک حدیث، از دو طریق است: گاهی از ابن اُذینه از ابان از سلیم، و گاهی از حماد از ابراهیم بن مر از ابان از سلیم. دقت کنید. از روایت کلینی و صدوق بر می‌آید که نسخهٔ کتابی را که نزدشان بوده صحیح می‌دانستند، چنانکه عبارات نجاشی، کشی، و فهرست طوسی می‌رساند. بلکه شاید منابع دیگر نیز صحت اصل کتاب را نتیجه دهد، به ویژه آنچه از کافی بر می‌آید.

پس شاید نسخهٔ غضائری نسخهٔ مغلوطی بوده است. از هبة الله بن احمد رسیده که در کتاب سلیم، از "دوازده امام از نسل امیر المؤمنین" سخن رفته است. ظاهر آن است که نسخه‌های کتاب، مختلف است، در پاره‌ای از آنها چنین آمده که اشاره شد، و در بعضی دیگر آمده "دوازده امام از نسل رسول خدا". این از باب سهو القلم است.

جدم گوید[1]: در *کتاب سلیم* آمده "دوازده امام از نسل پیامبر"، و این به قاعدهٔ تغلیب است.[2] امیر المؤمنین به منزلهٔ فرزندان پیامبر است، همانگونه که در جایگاه "برادر پیامبر" قرار داشت. این گونه تعبیرات در *کافی* و منابع دیگر بارها آمده است.

۱۴. محقق بهبهانی می‌افزاید: اگر عبارت کتاب، "دوازده امام از نسل امیرالمؤمنین" باشد، باز هم به قاعدهٔ تغلیب می‌توان پذیرفت. به هر حال، وجود یک جمله که ظاهر آن مخالف برخی مبانی باشد، دلیل بر جعلی بودن تمام کتاب نمی‌شود. بعلاوه جعل به این بیان خالی از غرابت نیست. دقت شود.

۱. اشاره شد که مراد محقق بهبهانی از کلمهٔ "جدم"، مولی محمد تقی مجلسی است. این کلام را در کتابش *روضة المتقین*، ضمن شرح حال سلیم در اواخر کتاب ج ۱۴ ص ۳۷۱ آورده است. (روضاتی)

۲. یعنی اینکه یازده امام از نسل پیامبرند، و امیر المؤمنین گرچه از نسل پیامبر نیست، در ضمن آنان به شمار آمده است. (مترجم)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

اما حکم علامه به عدالت سلیم، شاید با ملاحظهٔ کلام [بعضی از مصادر رجالی مانند] «ین، قی، عق، کش» باشد. در بحث پیرامون ابراهیم بن صالح جواب دیگری داده‌ایم. دقت کنید».

۱۵. مؤلف (صاحب *روضات*) گوید:

کلامی که از میرزای استرآبادی - صاحب *منهج المقال*- نقل شد که ابن عمر پدرش را اندرز داده، در مورد آن باید گفت که این مطلب در اواخر *کتاب سلیم*، چند بار با فاصله‌های کوتاه نقل شده، از جمله این لفظ سلیم، که در *منتهی المقال*، از آن نقل شده است:

«سلیم گوید: محمد بن ابی‌بکر را دیدم. به او گفتیم: آیا بجز برادرت عبدالرحمان و عایشه و عمر کسی در آخرین لحظات عمر پدرت حاضر بوده و مطالبی را که به گوش من رسیده، از او شنیده‌اند؟

گفت: مطالبی از او شنیده‌اند. سپس گریسته و گفته‌اند که هذیان می‌گوید. البته تمام آنچه من شنیده‌ام – تا آنجا که گوید – سپس برادرم بیرون رفت تا برای نماز وضو بگیرد.

وقتی سخن از تابوت شد – یعنی تابوتی که در دوزخ است – که در هنگام خروج روحش از تن به او نشان داده‌اند، گمان کردم که هذیان می‌گوید.

تا آنجا که گوید: ابوبکر گفت: گونه‌ام را به زمین بچسبانید. چنان کردیم. او پیوسته سخن از هلاک و گرفتاری خود می‌گفت. آنگاه عمر وارد شد در حالی که چشمان پدرم بسته بود. عمر پرسید: پس از اینکه من رفتم، آیا ابوبکر سخنی دیگر گفت؟ مطالبش را باز گفتم. گفت: خداوند بر جانشین پیامبر رحمت آورد، این سخنان را کتمان کنید زیرا هذیان است. و شما خاندانی هستید که به هذیان گویی در هنگام مرگ شناخته شده‌اید. عایشه گفت: راست می‌گویی. تمام آنان به من گفتند: مبادا این مطالب را به کسی

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

بگویی.

تا آنجا که گوید: سلیم گفت: وقتی محمد بن ابی بکر در مصر کشته شد، و به امیر المؤمنین تعزیت گفتیم، سخنانی را که از او شنیده بودم، به حضرتش باز گفتم. امیر مؤمنان فرمود: محمد راست گفته است، او شهید است و زنده و روزی می‌خورد.

۱۶. میرزای استر آبادی پس از نقل این مطالب می‌افزاید: اینکه سلیم، سخن از "سیزده امام" آورده باشد، من تمام کتاب را از اول تا آخر خواندم و چنین سخنی در کتاب نیافتم، بلکه در چندین جای کتاب، آمده: "دوازده امام، که یازده امام از نسل علی علیه‌السلام هستند".

شاید این نسبت از آن روی باشد که مطالبی در آن یافته‌اند مانند حدیث پیامبر که فرمود:

"خداوند به اهل زمین نگریست، مرا و علی را برگزید، مرا رسول و نبی و راهنما قرار داد، و به من وصیت فرمود که علی را برادر و ولی و وصیّ و جانشین در امتم پس از خودم قرار دهم. آگاه باشید! اوست ولیّ هر مؤمن پس از من. ای مردم! خداوند دیگر بار نگریست، و پس از ما دوازده وصیّ از خاندانم برگزید که آنان را یک یک برگزیدگان امتم قرار داد."

نیز در حدیث دیرانی است که از حواریّون حضرت عیسی علیه‌السلام بود، و پس از جنگ صفّین نزد علی علیه‌السلام آمد، و اشاره کرد که نوشتارهای عیسی علیه‌السلام به املای آن حضرت و خط پدر دیرانی نزد او موجود است. در آنها آمده است که سیزده تن از نسل اسماعیل برگزیدگان خلق خدا و محبوب‌ترین آفریدگان نزد خدایند.

تا آنجا که گوید: تا آن که عیسی بن مریم در زمان آخرین امام، از آسمان فرود آید و پشت سر او نماز گزارد.

۱۷. (میرزای استرآبادی ادامه می‌دهد:) اگر مشکلاتی که به *کتاب سلیم* نسبت می‌دهند،

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

به دلیل چنین خبرهایی باشد، اشتباه قطعی است. زیرا:

در خبر اول پس از قسمت نقل شده آمده است: "نخستین امام، برادرم علی است، سپس حسن، آنگاه حسین، سپس نُه تن از فرزندان حسین".

و در خبر دوم، در بیان سیزده تن یاد شده گوید: "احمد رسول خدا، که محمد یاسین است – تا آنجا که گوید: – سپس برادرش، وزیرش، جانشینش، که او را بیش از همگان دوست داشت، پسر عمویش علی بن ابی طالب که ولیّ هر مؤمن بعد از اوست، آنگاه یازده مرد از فرزندان و نوادگانش، نخستین آنها شبر، دوم شبیر، و نُه تن از فرزندان شبیر – تا آخر حدیث.

ضمناً باید دانست که بیشتر احادیث موجود در *کتاب سلیم*، در کتابهای معتبر دیگر نیز موجود است، مانند *توحید* صدوق، *اصول و روضهٔ کافی* کلینی، و منابع دیگر. بلکه‌اندک شمار است احادیث از کتاب سلیم که در اصول مشهور یافته نشود.

در آغاز کتاب، طبق نسخه‌ای که دارم، آمده است:

برایم حدیث کرد ابوطالب محمد بن صبیح بن رجا در دمشق سال ۳۳۴، گفت: خبرم داد ابوعمرو عصمة بن ابی عصمة بخاری، گفت: برایم حدیث کرد ابوبکر احمد بن منذر بن احمد صنعانی در صنعاء شیخ صالح مأمون همسایهٔ اسحاق بن ابراهیم دیری گفت: ابوبکر عبدالرزاق بن همام بن نافع صنعانی حمیری به من گفت از ابوعروة معمّر بن راشد که گفت: ابان بن ابی عیاش یک ماه قبل از مرگ خود مرا فراخواند و به من گفت که من خواب دیده‌ام که بزودی می‌میرم – تا آخر»

۱۸. صاحب *روضات* می‌افزاید:

استرآبادی کلام را تفصیل داده تا آخر آنچه در شرح حال حسن بن یسار بصری خواهیم آورد، البته با اختلافی اندک. البته تفاوت میان آنها در صحت و ضعف سند، زیاد است. و لا ینبّئک مثل خبیر.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

سخن در وثاقت سلیم است، بلکه در این که او در بالاترین درجهٔ معرفت و دیانت است، و در شمار اولیای هدایت پذیر خداوند جای دارد. بعد از این همه تفصیل کلام و اقامهٔ دلیل، اگر به یقین یا آرامش کامل به این مطلب رسیدی، خدای تبارک و تعالی را شکر گزار که توفیق یافته‌ای به درجهٔ انصاف برسی و از دایرهٔ ستم و بدبینی بیرون آیی، وگرنه از تو می‌خواهیم برای ما و خود دعا کنی که نسبت به بزرگان اصحاب، خوش گمان باشیم و درون جان را از وسواس و تردید پاک نگاه داریم. اوست پادشاه بخشنده و مالک انسانها و مسبّب الاسباب و گشایندهٔ درها، که اجر صابران را بدون محدودیت می‌دهد.»

تا اینجا سخن جدمان پیشوای دانا بود، قدّس الله روحه در کتاب *روضات الجنات*. کوشیدیم بر اساس نسخهٔ خط شریفش در تصحیح آن بکوشیم.

[بخش دوم – بیان چند دانشمند رجالی]

۱. از کتاب *اسماء الرجال* نوشتهٔ شیخ جلیل معظّم حسن بن علی بن داوود حلّی – قدّس الله نوره و نوّر ضریحه – نسخه‌ای داریم به خط محمد بن محمد بن زین الدین، معروف به ابن معتوق، که تحریر آن را در روز جمعه ۲۹ شوال ۹۷۷ به پایان برده است. این نسخه را سید علی بن حسین بن صائغ با نسخهٔ جدمان شهید ثانی – قدِست نفسه الزکیة – مقابله کرده که این مقابله در روز یکشنبه ۲۸ شوال ۹۷۸ به پایان رسیده است. کتاب و مؤلف و این نسخه را در کتابمان *فهرست کتب خطی* چاپ اصفهان شناسانده‌ایم.

در این کتاب، ابن داوود می‌نویسد: «سلیم بن قیس، صاحب کتاب، هلالی. ی، ن، سین، ین، قر، قی: از اولیا بود. کش[1]، تصدیق او را روایت کرده، غض کتابش را جعلی دانسته و گفته که در آن آمده که تعداد امامان سیزده است و اسانید آن نیز ساختگی

۱. این نشانه‌های اختصاری، رموز کتابهای رجالی است. (مترجم)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

است»

۲. این نسخه تعلیقه‌ای در ذیل این شرح حال ندارد. ولی نسخه‌ای دیگر از *رجال ابن داوود* در اختیار داریم به خط سیدمحمدعلی حسینی اصفهانی تحریر۱۰۰۶، که تعلیقاتی بر این شرح حال، از مولانا عبدالله بن حسین شوشتری متوفی ۱۰۲۱ در اصفهان دارد. تعلیقهٔ شوشتری چنین است:

الف. سلیم. به نوشتهٔ *خلاصهٔ الاقوال* علامه، به ضمّ سین است.

ب. کش. نیکو گفت ابن داوود که تصدیق کشی نسبت به روایت او را اِسناد کرده است. این سخن مطابق است با آنچه در *کتاب کشّی* یافته‌ایم.

ج. قی. سید علی بن احمد عقیقی گوید: سلیم بن قیس از اصحاب امیر المؤمنین است – تا آنجا که گوید: فقط ابان از سلیم روایت کرده، چنانکه در *خلاصه علامه* آمده است.

د. گویی مراد مصنف از اولیاء این است که سلیم از موالی امیر المؤمنین است. این معنا از کلام او فهمیده نمی‌شود، زیرا اگر در کلام عقیقی بود، علامه در *خلاصه* نقل می‌کرد، چنانکه شیوهٔ اوست. ع ا ه.[1]

۳. نسخه‌ای از *تلخیص المقال* (معروف به رجال وسیط) نوشته میرزا محمد بن علی استرآبادی (متوفی ۱۰۲۸ مکه) در اختیار داریم که در جمادی الثانیهٔ ۹۸۸ به پایان برده و در *فهرست نسخه‌های خطی* شناسانده‌ایم. این نسخه از روی نسخه‌ای متعلق به دورهٔ حیات مؤلف نوشته شده است.

نسخه‌ای دیگر نزد ما است که کاتبش نور الدین احمد بن جمال الدین محمد شیرازی در روز پنج شنبه ۱۴ ربیع الثانی ۱۰۲۰ به پایان برده است.

در هر دو نسخه، حواشی مفصلی از مصنف وجود دارد. البته سه نسخه دیگر از این کتاب داریم که حواشی آنها کامل نیست.

---

۱. امضای مولی عبدالله شوشتری است. (مترجم)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

در متن کتاب استر آبادی آمده است:

«سلیم بن قیس هلالی. ی ن سین قر؛ هلالی[1] عامری کوفی صحابی امیر المؤمنین علیه السلام، ین، کشّی احادیثی آورده که بر صحت کتابش گواه است. در طریق کلامی است. سید علی بن احمد عقیقی گوید: سلیم نوری داشت که او را برتری می‌داد. ابن غضائری گفته که کتاب مشهور را به او نسبت می‌دهند و اصحاب ما می‌گفتند که سلیم شناخته شده نیست و در حدیثی یاد نشده است. من یاد او را در چند موضع بدون کتابش و بدون روایت ابان بن ابی عیاش از او یافته‌ام. ابن عقده او را در شمار رجال امیر المؤمنین علیه السلام یاد کرده و احادیثی از او آورده است. البته کتابش بی‌تردید ساختگی است به چند دلیل: اول اینکه می‌گوید محمد بن ابی بکر پدرش را در هنگام مرگ اندرز داد. دوم اینکه امامان را سیزده تن می‌داند. و موارد دیگر.

اسانید کتاب، اختلاف دارد، گاهی به روایت عمر بن اذینه از ابراهیم بن عمر صنعانی از ابان بن ابی عیاش از سلیم، و گاهی از عمر از ابان بدون واسطه.

نظر من تعدیل او و توقف در مطالب غلط کتابش است.

تا اینجا مطالب علامه در *خلاصة الاقوال* بود.

در صه و تی، او را از جمله اولیای امیر مؤمنان علیه السلام می‌داند. و شاید همین دلیل حکم به تعدیل او باشد.

در فهرست طوسی است: ابوصادق، صاحب کتاب. حماد بن عیسی و عثمان بن عیسی از ابان بن ابی عیاش از سلیم بن قیس روایت کرده‌اند. طریق دیگر: حماد بن عیسی از ابراهیم بن عمر یمانی از سلیم بن قیس.

مشابه این مطالب را نجاشی آورده است.

۴. استرآبادی در تعلیقات خود بر کتاب خود *تلخیص المقال* (رجال وسیط) گوید:

۱. در هر پنج نسخه که در اختیار داریم، کلمه "هلالی" تکرار شده است. (روضاتی)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

الف. گویی این مطلب، از تتمهٔ کلام غضائری است چنانکه شهید ثانی گوید. به هر حال، اختلافی که دیدیم، در اصل نیاوردیم.

طریق کشی به او چنین است: محمد بن حسن برایی از حسن بن علی بن کبیسان از اسحاق بن ابراهیم بن عمر یمانی از ابن اذینه از ابان از سلیم.

شهید ثانی گوید: در طریق کشی، ابراهیم صنعانی و ابان قرار دارند که ابن غضائری در مورد آنها طغیان کرده و ضعیف دانسته است. دقت شود.

ب. این از علامات ساختگی بودن کتاب است ... [مرحوم روضاتی عین مطالب بند ۹ و ۱۰ بخش اول را در اینجا تکرار کرده است]

ج. در اینجا آمده که ابن عمر پدرش را اندرز داد نه محمد بن ابی بکر، و امامان همراه با پیامبر، سیزده تن هستند. هیچ یک از اینها بر ساختگی بودن دلالت ندارد. و الله اعلم.

تا اینجا منقولات از تعلیقات میرزای استر آبادی بر *رجال وسیط* است که از این کتاب نفیس فقط متن آن منتشر شده است ضمن شرح آن که *جامع الرواة* مدقق اردبیلی است، اما او حواشی استرآبادی را نیاورده است. زیرا نسخه او این حواشی را نداشته است. وگرنه از نقل آن غفلت نمی‌کرد. بدین روی *جامع الرواة* از این ناحیهٔ مهم ناقص است.

این نکته را که – سپاس خدای را – بدان تفطّن یافته‌ایم، هیچ یک از اصحاب تراجم و فهارس را ندیدم که بدان اشاره کرده باشد.

۵. نسخه‌ای نفیس از کتاب *منتهی المقال* (رجال کبیر) میرزای استرآبای در اختیار دارم که مزیّن به حواشی مهم و فراوان شیخ محمد امین کاظمی صاحب *هدایة المحدثین* به خط شریف اوست. در اینجا فقط حواشی کاظمی را به جهت فوائدی که دارد، نقل می‌کنیم.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

الف. استر آبادی سلیم را از راویان امام صادق علیه السلام دانسته است. این سهوی است که بر قلم او راه یافته، زیرا سلیم هرگز محضر امام صادق علیه السلام را درک نکرده است. چنانکه از چندین موضع بر می‌آید.

اینکه استرآبادی گفته: "از حسن و حسین علیهما السلام روایت کرده"، بهتر آن بود که بگوید"ابی الحسنین علی بن ابی طالب علیه السلام" زیرا سلیم از اصحاب حضرتش بود. اگر این سیاق نباشد، احتمال دارد که به جای آن "ابی جعفر" باشد که راوی آن جناب نیز بوده است. به هر حال، سلیم راوی امام اول تا پنجم علیهم السلام بوده است. در کلام، تبدیلی است همراه با ترک، و مطلب پوشیده نیست. ملا عنایت.

ب. گوید: "نسبت به مطالب غلط آن باید توقف کرد". مراد به این مطالب دو نکته است: یکی اندرز گویی محمد بن ابی بکر به پدرش که در آن زمان محمد سه ساله بوده است. این استبعاد ندارد چون می‌تواند به تعلیم مادرش اسماء بنت عمیس باشد.

دوم اینکه گفته "دوازده امام از فرزندان پیامبر" که می‌تواند بر اساس قاعدهٔ تغلیب باشد، ضمن آنکه امیر مؤمنان به منزلهٔ فرزند رسول خدا است همانگونه که برادرش بود. امثال این عبارات در *کافی* و منابع دیگر نیز هست. م ح ق. [1]

ج. محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب *غیبت* ضمن بحث از روایاتی که امامان را دوازده تن می‌داند، در باره *کتاب سلیم* مطلبی دارد که گوید: در میان تمام شیعه کسی نیست .... تا آخر کلامش. [2]

د. در متن آمده: از اسحاق بن ابراهیم از ابراهیم بن عمر.

این گونه در *رجال* کشی و طوسی نیست، بلکه اسحاق بن ابراهیم بن عمر است. در

۱. ظاهراً مراد، مولی محمدتقی مجلسی است، چنانکه این مطالب را از او در بخش اول دیدیم. (مترجم)

۲. متن کامل آن در بخش اول نقل شد. (مترجم)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

نسخهٔ ملا عنایت چنین است.

ه. در متن آمده: "گفت راست می‌گویی". این مطلب روشن نیست. شاید چیزی از آن ساقط شده باشد. در *کتاب سلیم* دلیلی است بر اسقاط، و اینکه او حکم را بر امام حسن و امام حسین علیهما السلام عرضه کرده، پس گویی روایت را مختصر کرده است. م د.

این مطالب به خط ملا محمد امین است.

۶. استرآبادی در *رجال وسیط* مطالبی در مورد ابان بن ابی عیاش در متن و حاشیه آورده که نقل آن مناسب می‌نماید. گوید:

«ابان بن ابی عیاش فیروز، تابعی ضعیف. در *خلاصه* از غضائری افزوده: از انس بن مالک و علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده. نباید به او توجه کرد. اصحاب ما جعل کتاب سلیم را به او نسبت می‌دهند.

عقیقی گوید: ابن بن ابی عیاش. وسیلهٔ آشنایی او با این امر (تشیع)، سلیم بن قیس هلالی شد، زمانی که حجاج در طلب سلیم بود تا او را بکشد، از آن رو که صحابی امیر مؤمنان بود. او به منطقه‌ای در دیار فارس گریخت و به ابان بن ابی عیاش پناه برد. وقتی مرگ را احساس کرد، به ابان گفت: حقی بر من داری. اینک که مرگم نزدیک شده، برادر زاده! پس از رسول خدا چنین و چنان شد. آنگاه کتابی به او سپرد. بدین روی تنها راوی از سلیم، ابان است.»

۷. میرزای استرآبادی در هامش می‌نویسد: «ساختگی بودن کتاب، محلّ تأمّل است. حقیقت مطلب ذیل سلیم بیان خواهد شد».

نیز می‌نویسد:

«گفته‌اند: این کتاب ساختگی است، به دو دلیل: اندرز دادن محمد بن ابی بکر به پدرش در هنگام مرگ او، و اینکه امامان را سیزده تن می‌داند.

اما حق این است که نسخه‌هایی که به دست ما رسیده، مشتمل بر مطلب باطل نیست.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

در آنها آمده که عبدالله بن عمر پدرش را اندرز داد، و ائمه همراه با پیامبر، سیزده تن هستند. لذا نشانه‌ای از جعل در کتاب نیست.»

۸. در یک نسخه از نسخه‌های خطی کتاب او، تعلیقه‌ای است که می‌آوریم. گوید: «در کتاب ذهبی گوید: ابان بن ابی عیاش عبدی بصری، از انس و ابوالعالیة و جمعی روایت می‌کند».

[بخش سوم – فوائد متفرقه]

۱. علامه فاضل حاج میرزا ابوالحسن شعرانی در چند موضع در بارهٔ سلیم و کتابش سخن گفته است:

الف. در مقدمهٔ الطبع *منتخب التواریخ* نوشته ملاهاشم خراسانی (چاپ اسلامیه تهران، ص ط) می‌نویسد:

«در بین مردم کتب دینی بسیار متداول است که مؤلف آن غرض تأسیس نداشته است. نظیر طرائف سید ابن طاووس – تا آنجا که گوید – و کتاب سلیم بن قیس هلالی که یک نفر از شیعیان قدیم احتجاجات بسیار از زبان مردی به نام سلیم بن قیس از صحابهٔ امیر المؤمنین علیه السلام ترتیب داده است.»

ب. در تعلیقه‌ای بر *شرح اصول کافی* نوشته ملا صالح مازندرانی (ج ۲ ص ۱۶۳) پس از نقل عبارات علامه حلی در بارهٔ سلیم و کتابش می‌نویسد:

«تمام آنچه از سلیم نقل می‌شود، از همین کتاب معروف اوست که چاپ شده است. و امور فاسدی در بر دارد که یاد کرده‌اند. پس مطالب منقول از آن اعتبار ندارد مگر آنچه به قرینهٔ عقلی یا نقلی تأیید شود. ابن غضائری گفته که یاد کرد سلیم را بدون جهت کتابش و روایت ابان بن ابی عیاش از او یافته است، و ابن عقده احادیثی از او ضمن رجال امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده است.

ولی ما، در کتابهای حدیث که در اختیار داریم، حدیثی از او نیافته‌ایم. پس سخن در

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

مورد او منحصر به همین کتاب می‌شود که بسیار ضعیف است، مانند *کتاب حسنیه* و *کتاب عبدالمحمود انصاری* که اسلام آورد و در مورد مذاهب مختلف سرگردان بود تا اینکه خداوند، او را به تشیع هدایت کرد[1]. یعنی برای هدفی صحیح ساخته شده، اگر چه واقع و حقیقت ندارد.»

ج. در تعلیقهٔ دیگری بر همان کتاب ص ۳۷۳ می‌نویسد:

«بارها گفته‌ایم که سخن گفتن در بارهٔ سلیم بن قیس و ابان بن ابی عیاش باید منحصر شود به کتابی که امروز به نام *کتاب سلیم* در دسترس است. حق این است که این کتاب برای هدفی صحیح ساخته شده است، مانند *حُسنیه* و *طرائف* نوشته ابن طاووس و *الرحلة المدرسیة* نوشته شیخ محمد جواد بلاغی و مانند آن.

سازندهٔ این گونه کتابها اموری مشهور و غیر مشهور گرد می‌آورد. و چون معصوم نیست، مطالب غیرصحیح نیز می‌آورد. ظاهر این است که این کتاب در اواخر دولت بنی امیه ساخته شده که شمار خلفای جور به دوازده تن نمی‌رسید. زیرا در این کتاب آمده که خلفای غاصب به دوازده تن می‌رسند، آنگاه حق به اهل آن باز می‌گردد، با اینکه می‌بینیم خلفای بنی امیه آمدند و رفتند، ولی حق به اهلش باز نگشت.

به هر حال، اگر مطلبی از مطالب آن به دلیلی از خارج تأیید شد، معتبر است، وگرنه به متفرّدات آن اعتباری نیست. البته غالب در آن تأیّد و عدم تفرّد است».

بر کلام فاضل شعرانی می‌افزایم که در کتاب سلیم، اشاره‌ای ندیدیم که پس از دوازده خلیفهٔ غاصب، حق به اهلش باز گردد. **والله العالم.**

۲. کتاب سلیم در حدود سال ۱۳۷۰ هجری قمری در نجف اشرف (مطبعه حیدریه) چاپ و منتشر شد.

در این چاپ، مقدمه‌ای در ۵۴ صفحه در مورد کتاب و مؤلف آمده است. در صفحه

۱. مراد، کتاب *الطرائف* نوشته ابن طاووس است که عمداً به نام مستعار و بر اساس یک داستان نوشته است. (مترجم)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

عنوان، عبارت «کتاب سلیم بن قیس الکوفی» و در صفحه عنوانِ پس از مقدمه، «کتاب السقیفة المعروف بکتاب سلیم» ثبت شده است.

نویسندهٔ مقدمه خود را به عنوان «المفتقر الی عفو ربه الغنی العلویّ الحسنیّ النجفی» شناسانده است.

بدون تردید، وی صدیق ما علامه آیة الله سید محمد صادق طباطبایی آل بحر العلوم است (قدّس الله روحه) که نام شریف خود را به دلیل تقیه پنهان می‌داشت. این شیوهٔ او بود، که در مورد کتاب *عمدة الطالب* نیز چنین عمل کرد.

البته در مقدمه کتاب سلیم، مطالب محقق نجفی مرحوم شیخ شیرمحمد همدانی را گرد آورد و تدوین کرد و نگاشت. وی این یادداشتها را ذیل نسخهٔ خود نوشته بود، چنانکه پس از بررسی برای ما روشن شد. پس این مطالب، از آنِ سید بحر العلوم نیست، بلکه در آغاز و انجامِ یادداشتهای همدانی چند سطر نوشته و به تدوین آنها پرداخته است.

استاد ما علامه شیخ آقابزرگ تهرانی در *الذریعه* ج ۲ ص ۱۵۸ – پس از وصف نسخهٔ *کتاب سلیم* که در اختیار جدّ ما شیخ حرّ عاملی صاحب *وسائل الشیعه* بوده– می‌نویسد: «نسخهٔ شیخ حر، کامل‌ترین نسخه‌ای است که من دیده‌ام. ظاهراً آن را با نسخهٔ دانشور معاصر خود علامهٔ مجلسی مقابله کرده بود. مجلسی نیز نسخهٔ خود را با نسخهٔ کهنی به تاریخ ۶۰۹ به خط ابومحمد رمانی مقابله کرده بود، چنانکه شیخ عبدالله مامقانی در *تنقیح المقال*، از او نقل می‌کند.

با این همه پاره‌ای از احادیث روایت شده از سلیم که در منابع معتبر قدما، مانند *غیبت نعمانی* آمده، در آن نسخه نبود. فاضل معاصر شیخ شیرمحمد بن صفرعلی همدانی نجفی آنها را از منابع دیگر گرد آورده و ذیل نسخهٔ خود – که از روی نسخهٔ شیخ حر نوشته بود – قرار داده بود. بدین سان، نسخهٔ همدانی، از روی نسخهٔ تصحیح

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

شدهٔ شیخ حر نوشته شده، مقابله مکرّر با نسخه‌های دیگر شده و تصحیح دقیق همراه با تعیین مواضع اختلاف نسخ شده بود. خداوند جزای خیرش دهاد و اجر این خدمتش را به بهترین وجهی نیکو کناد. که بهترین و کامل‌ترین نسخه از *کتاب سلیم* را ارائه کردند.»

۳. نگارنده در کتاب «*تکملة الذریعة*»[1] ذیل نام «ابومحمد رمانی» نوشته‌ام:

«در اصل طبع، این نام، "ریحانی" ثبت شده بود. مصنف (محقق تهرانی) در استدراکات چاپ شده در پایان جلد چهارم ذریعه آن را به "رمانی" تصحیح کرده بود. و این درست است چنانکه از *تنقیح المقال* ج ۲ ص ۵۴ بر می‌آید.

ضمناً استاد ما محقق تهرانی، ابومحمد رمانی را در ضمن کتابش *طبقات اعلام الشیعة* یاد نکرده، با این که شیوهٔ او یاد چنین افرادی است. همچنین مامقانی مأخذ نقل خود از علامه مجلسی را نام نمی‌برد و می‌گوید:

"مجلسی این مطلب را بدون ذکر مأخذ گفته است. می‌گوید: نسخه‌ای کهن از *کتاب سلیم بن قیس* دیدم با دو روایت که اندکی اختلاف با هم داشتند. در پایان یکی از آنها آمده بود: تمّ کتاب سلیم بن قیس بحمدالله و عونه غرّة ربیع الآخر من سنة تسع و ستّمائة. کتبه ابومحمد الرمانی – الی آخر"

۴. نگارنده در "*تکملة الذریعة*" ذیل نام «شیخ شیر محمد» نیز نوشته‌ام:

«بر اساس این نسخهٔ کم نظیر شیخ شیر محمد (قدّس الله سرّه و شکر مشاعیه الجمیلة فی إحیاء کثیر من النسخ النادرة) *کتاب سلیم* در حدود سال ۱۳۷۰ در مطبعه حیدریه نجف منتشر شد. البته او به رعایت تقیه، نه نام خود را نوشته بود، نه تاریخ چاپ را. کسی که به این مهم اقدام کرد، صدیق ما سید فاضل بارع مجتهد محقق سید محمدصادق طباطبایی آل بحر العلوم (طاب ثراه) بود. او نسخه را برای مطبعه آماده کرد، سپس به

---

۱. در زمان نگارش این رساله (سال ۱۴۱۰) دو کتاب ارزشمند و پر نکتهٔ مرحوم روضاتی –*تکملة الذریعة* و *تکملة طبقات اعلام الشیعة* – منتشر نشده بود. اما در آخرین سالهای عمر مؤلف این دو کتاب توسط کتابخانهٔ مجلس منتشر شدند که برای هر پژوهشی در زمینهٔ تراجم و کتابشناسی باید بدانها رجوع شود. (مترجم)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

مقابله و تصحیح آن بر اساس نسخهٔ شیخ شیر محمد همت گماشت، و تعلیقات ارزشمند او را به حاشیهٔ صفحات انتقال داد. که با امضای "عن الهامش" مشخص کرد. همچنین یادداشتهای او را در ضمن ۵۴ صفحه مقدمه سامان داد.

سید به تمام این موارد در کلام موجز ده سطری خود که در صدر مقدمه آورده، اشاره می‌کند. در آنجا بطور تقیه، با عنوان «بعض الأساتذة» و «الاستاذ المحقق» از شیخ شیرمحمد همدانی یاد می‌کند. و مقدمه را با عنوان «العلوی الحسنی النجفی» امضا می‌کند. به این نکات با دقت و پیگیری دست یافتیم. والحمد لله رب العالمین.

پس از انتشار نخستین چاپ در نجف بعضی از اصحاب علم و قلم، از این تحقیقات بهره گرفتند. و برخی از آنان مأخذ خود را یاد نکردند. *کتاب سلیم* بر اساس این چاپ، بارها در ایران و لبنان تجدید چاپ شد.»

۵. محقق تهرانی در کتاب *ذریعه*، از یک نسخهٔ *کتاب سلیم* یاد می‌کند با این وصف: «نسخه استادمان علامه نوری که به خط سید محمد موسوی خوانساری است و در سال ۱۲۷۰ تحریر شده است».

نگارنده در کتاب خود «*تکملة الذریعة*» در بارهٔ آن می‌نویسد:

«این نسخه اخیرا به تملک شیخ عالم فاضل جلیل محمد علی اردوبادی نجفی در آمد. البته ما آن را ندیده‌ایم، ولی احتمال قوی می‌دهیم که کاتب آن جدّ ما علامه خبیر ماهر آیة الله الباهرة سید محمد خوانساری (۱۲۲۲– ۱۲۹۳) برادر جدّ دیگرمان علامه سید محمد باقر موسوی اصفهانی صاحب روضات باشد.

البته نسخه‌ای از *کتاب سلیم* به خط همین سید محمد در اختیار داریم که کتابت آن را در روز یکم جمادی الاولی سال ۱۲۸۸ به پایان برده و موافق است با نسخهٔ دیگری که به سال ۱۲۷۰ نوشته است. بی‌شبهه جدّ ما دو نسخه را از روی نسخه‌ای کهن نوشته که در اختیار صاحب روضات بوده و او در *روضات الجنات* ضمن شرح حال سلیم

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

بدان اشاره می‌کند که: «نزد ما نسخه‌ای کهن از این کتاب هست حدود چهار هزار بیت...»[1]

مرحوم میر سید محمد با تلاش فراوان و همت عالی خود، در طول حیات خود دهها کتاب را احیا کرد؛ یا نوشت، یا امر به نوشتن آنها کرد، یا نسخه‌های ناقص را تمام کرد، یا اصلاح و تجلید و ترمیم کرد، چنانکه در کتابها و فهرستهای خود و نیز در جاهای مختلف *مکارم الآثار* یاد کرده‌ایم.

این همه کتابهای گرانسنگ بعدها پراکنده شدند، و بعضی به دست اهل علم رسید. اما بسیاری از آنچه حاصل تلاش آن مرد بزرگ بوده، هم اکنون در دست ما و بنی اعمام ما موجود است.

۶. نکته‌ای در مورد ابومحمد رمانی باید گفت. جد ما علامه سید محمد خوانساری در آغاز نسخهٔ خود از *کتاب سلیم* – که نزد ما موجود است – مطلبی از کتاب *الأسئلة و الاجوبة* للسید مهنّا بن سنان (پاسخ به پرسش‌های سید مهنّا از علامه حلی) در مورد کتاب سلیم نقل می‌کند و پس از آن از یک نسخهٔ خطی مختصر البصائر نقل می‌کند:

«در یکی از نسخه‌ها در پایان جزء اول آمده: تمّ کتاب سلیم بن قیس الهلالی بحمد الله و عونه صورة تاریخ غرّة ربیع الأول من سنة تسع و ثلاثمائة. کتبه ابومحمد بن الرمانی حامدا مصلّیا علی رسوله. روی عن الصادق علیه السلام انه قال: من لم یکن عنده من شیعتنا و محبینا کتاب سلیم بن قیس الهلالی فلیس عنده من امرنا شیء و لا یعلم من أسبابنا شیئاً و هو ابجد الشیعة و هو سرّ من اسرار آل محمد»

---

۱. خواننده گرامی تا همین جا، گوشه‌ای از تلاشهای محدثان بزرگ را در جهت احیا و تصحیح این کتاب می‌بیند. و البته نمونه‌های دیگر را در مقدمهٔ مبسوط کتاب سلیم به تحقیق محمد باقر انصاری باید یافت. (چاپ قم: انتشارات دلیل ما). اینان بزرگانی بودند که یک لحظه از عمر خود را بیهوده هدر نمی‌دادند. اگر کتاب *سلیم بی شبهه* – به قول بعضی از فاضلان – ساختگی باشد، چگونه بر تمام اینان نسلا بعد نسل پوشیده ماند؟

این همه اهتمام از چنان مردان دقیق و ژرف نگر در تصحیح و ترویج کتاب سلیم، اگر نه دلیلی بر اعتبار این کتاب، دست کم شاهدی بر این اعتبار هست. شگفتا! که کسانی که حکم کلی و مطلق صادر می‌کنند، از این احتیاط عقلی غفلت کرده‌اند. (مترجم)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

این سر آغاز نسخه که نقل شد، با نقل علامه مامقانی از علامه مجلسی در دو موضع تفاوت دارد: یکی نام کاتب (ابومحمد الرمانی/ ابومحمد بن الرمانی). دیگری: تاریخ کتابت نسخه (۳۰۹/ ۶۰۹). والله تعالی عالم بحقائق الامور.

۷. یکی از مطالب مهم که شمار زیادی از پژوهشگران بر منبع آن دست نیافته‌اند، حدیثی است که علامه مجلسی در وصف کتاب سلیم از امام صادق صلوات الله علیه روایت می‌کند. در یادداشت آخر نسخه که از جدّ علّامه نقل شد (بخش سوم، بند ششم)، می‌بینیم که این حدیث در نسخه رمانی بوده. پس علامه مجلسی باید از این نسخه نقل کرده باشد. ولی مأخذ نقل رمانی چیست؟ بر ما روشن نیست. و العلم عندالله سبحانه.

باید دانست که در مقدمهٔ چاپ نجفی کتاب سلیم و افست بیروتی آن، به نقل از کتاب *الذریعه* ج ۲ ص ۱۵۲ کلام مروی از امام صادق علیه السلام را از تتمهٔ کلام نعمانی در کتاب غیبت دانسته بدون تمایز میان آنها؛ با اینکه در *الذریعه*، روایت را از کلام نعمانی با علائم جدا کرده تا خلط نشود. ولی در نقل از ذریعه با هم خلط شده است. همچنین در صفحه عنوان همین چاپ، کلام حضرتش در صفحه عنوان آمده بدون اینکه ذکر مدرک شود.

۸. دو نسخه – یکی کهن و دیگری جدید – از *کتاب سلیم* در کتابخانهٔ دانشگاه تهران هست که با نسخهٔ جدّ علامه موافقت دارد. نسخه کهن برای رجوع و مقابله مناسب است. و الله الموفّق.

۹. با تفحّص کتاب *الإمامة و التبصرة من الحیرة* نوشته شیخ متقدم علی بن بابویه قمی (پدر بزرگوار شیخ صدوق) یادی از سلیم و کتابش نیافتیم. نسخه‌ای از این کتاب که در اختیار دارم، نسخه‌ای منحصر است که به امر علامه مجلسی (قدّس الله تعالی روحه، و

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

خذل و أذلّ اعدائه) از روی یک نسخهٔ کهن کتابت شده است.[1] البته در اصل آن نسخه، چند برگ سفید مانده و کامل نشده چون نسخهٔ دیگری برای تکمیل آن پیدا نشده است.

۱۰. شرح حال سلیم و ابان در بیشتر کتابهای شرح حال راویان و معجم‌های رجالی ثبت شده است. اما پاره ای از این کتابها چاپ نشده و بعضی نسخه‌های آن گم شده یا بسیار کمیاب است. برخی منتشر و متداول است مانند *تکملة الرجال* نوشته شیخ عبدالنبی و معاصرانش. نیز منابع دیگر رجالی تا زمان ما.

همچنین در برخی از شروح کتابهای حدیثی و تعلیقات بر آنها شامل مطالبی دربارهٔ سلیم است. البته در اجزاء باقی مانده از کتاب *ریاض العلماء* نوشته میرزا عبدالله افندی اصفهانی یادی از سلیم نمی‌بینیم.

۱۱. یکی از مشکلات نسخهٔ مخطوط ما، این دو حدیث است:

الف. «نعم. سمعت رسول الله ﷺ یقول: لیس فی جنّة عدن منزل افضل و لا اشرف و لا اقرب من العرش من منزلتی؛ و معی فیه اثنا عشر من اهل بیتی اوّلهم علی بن ابی طالب سیدهم و افضلهم و احبّهم الی الله و رسوله، و ابنتی فاطمة سیدة اهل الجنّة و هی زوجته فی الدنیا و الآخرة؛ و ابنای الحسن و الحسین سیّدا شباب اهل الجنّة؛ و تسعة من وُلد الحسین – الخ.»[2]

ب. «فقلت: یا رسول الله! سمّهم لی. فقال: ابنی هذا، و وضع یده علی رأس الحسین، ثم ابن له

۱. تحقیق این کتاب که آیة الله سید محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی در مؤسسة الامام المهدی علیه السلام قم انجام داده و منتشر شده، مبتنی بر همین نسخه است. (مترجم)

۲. متأسفانه مرحوم روضاتی موضع اشکال را در حدیث ننوشته‌اند. ولی بر رو ی کلمه "منزلتی" نوشته‌اند: "کذا فی النسخة". به هر حال، با رجوع به چاپ تحقیقی جدید کتاب سلیم (قم: دلیل ما) این بخش از متن حدیث را بدینگونه می‌یابیم:
«لیس فِي جَنَّةِ عَدَنٍ مَنْزِلٌ [أَشْرَفَ وَ لَا] أَفْضَلَ وَ لَا أَقْرَبَ إِلَى عَرْشِ رَبِّي مِنْ مَنْزِلِي نَحْنُ فِيهِ أَرْبَعَةَ عَشَرَ إِنْسَاناً أَنَا وَ أَخِي عَلِيٌّ وَ هُوَ خَيْرُهُمْ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَيَّ وَ فَاطِمَةُ وَ هِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ تِسْعَةُ أَئِمَّةٍ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ فَنَحْنُ فِيهِ أَرْبَعَةَ عَشَرَ إِنْسَاناً فِي مَنْزِلٍ وَاحِدٍ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنَّا الرِّجْسَ وَ طَهَّرَنَا تَطْهِيراً» (*کتاب سلیم* ج ۲ ص ۸۴۰) – مترجم.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

یسمی علیّا، ثم ابن له یسمی محمدا، فاقرءوه عنّی السلام، ثم تکملة اثنی عشر من ولده – الخ»[1]

۱۲. شیخ جلیل، یاور حقّ و حجت باری، علامه امینی رساله‌ای ویژهٔ کتاب سلیم نوشته که تا کنون جاپ نشده، ولی خود در *کتاب الغدیر* ج ۱ص ۱۹۵ از آن یاد می‌کند.

۱۳. سلیم می‌گوید: «ثم دعا معاویة قراء اهل الشام و قضاتهم فأعطاهم الأموال– الخ». شایسته است در این مورد به کتاب *مصادر نهج البلاغة* (چاپ ۱۳۹۲ قمری، ص۱۴ به بعد) نوشته شیخ عبدالله نعمه (شکرالله سعیه) رجوع شود که بسطی در این موضوع داده است.

۱۴. تراجم نگاران نوشته‌اند که سلیم از دست حجاج گریخت و متواری و در فارس مخفی شد. ولی حافظ عبدالغنی بن سعید ازدی (متوفی سال ۴۰۹) در کتاب *المتوارین عن الحجاج* (چاپ مجمع اللغة العربیة، دمشق، ج ۳ م۵۰ سال ۱۳۹۵ قمری) از او نام نمی‌برد. البته در این کتاب کم حجم، تنها ده تن یاد شده‌اند، پس استقصاء نشده است. والله العالم.

۱۵. ابن ابی الحدید حنفی معتزلی در *شرح نهج البلاغه* ج ۱۲ ص ۲۱۶ – ۲۱۷ کلامی از شریف مرتضی آورده که سید مرتضی روایتی از سلیم در باره خمس در کتاب *شافی* خود نقل می‌کند. ابن ابی الحدید آن را رد کرده و می‌نویسد:

«روایت سلیم بن قیس هلالی اعتباری ندارد. مذهب سلیم معروف است. و در ردّ روایت او کتابش که میان آنها به *کتاب سلیم* شهرت دارد کافی است. البته من از بعضی از خود آنها (شیعه) شنیدم که می‌گفتند این اسم بی‌مسمی است و در دنیا کسی به نام سلیم بن قیس هلالی وجود نداشته است و کتابش جعلی و ساختگی و بی‌اصل است،

۱. در اینجا نیز متأسفانه مصنف موضع اشکال را ننوشته‌اند. ولی منابع دیگر همین حدیث را که از سلیم روایت کرده‌اند، در اینجا می‌نویسیم تا برای پژوهشگران مفید افتد:
کمال الدین ۱: ۲۸۵ باب ۲۴ ح ۳۷، اعتقادات صدوق: ۱۲۲ باب ۴۵، تفسیر صافی ۱: ۱۹ مقدمه ۲، اثبات الهداة ۲: ۲۰۹ ف ۳۸ ح ۷۰۳، همان ۲: ۲۲۶ ف ۵۱ ح ۷۸۱، همان ۲: ۲۴۷ ف ۷۱ ح ۸۵۷، بحار الانوار ۳۶: ۲۵۷ باب ۴۱ ح ۷۵، همان ۸۹: ۹۹ باب ۸ ح ۶۹.
این فهرست به کمک نرم افزار نور ۳/۵ تهیه شد (مترجم).

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]

اگر چه بعضی از آنها نام او را در شمار رجال آورده‌اند».

کلام ابن ابی الحدید همین بود که سرشار از اوهام و گرایش‌ها و نسبت‌ها است به افرادی که نام نمی‌برد. همین کلام، یکی از ادلّه‌ای است که انحراف او از حق به سوی باطل را می‌رساند.

در این مورد، حتماً به کتاب *سلاسل الحدید لتقیید ابن ابی الحدید* نوشته علامه فقیه عظیم الشأن شیخ یوسف بحرانی صاحب موسوعه فقهی *الحدائق الناضرة* (قدّس الله روحه) رجوع شود. و الله الموفّق.

جامع این رساله، امیدوار به رحمت خدایش، سید محمد علی روضاتی (عفا الله تعالی عنه) این رساله را در روز پنجم محرم ۱۴۱۰ به پایان برد.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.12.45.11.7]